

تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر نقش و حضور نیروی انتظامی

در ایجاد احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی سال 1388

تاریخ دریافت: 89/3/25

دکتر رسول ربانی^۱

تاریخ پذیرش: 90/4/6

دکتر مهدی ادیبی^۲

زهرا طاهری^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین چگونگی نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی صورت گرفته است. جهت اندازه‌گیری متغیر پژوهش، نیروی انتظامی در سه بعد جدیت، عملکرد و توانایی مورد سنجش قرار گرفته است. چارچوب نظری تحقیق بنا به تناسب موضوع، نظریه های جامعه شناختی و مکاتب مربوط به این حوزه‌ها است که فرضیات پژوهش از آن استخراج گردیده است. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی دارای قابلیت اعتماد و اعتبار است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان شهر اصفهان در سال 1388 می‌باشد. حجم نمونه، 384 نفر است که با استفاده از فرمول کوکران با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای در 3 منطقه اصفهان به دست آمده است. با استفاده از نرم‌افزار SPSS، برای آزمون فرضیات و تحلیل داده‌ها، از روش های تحلیل آماری t-test، واریانس یکطرفه، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش بدین قرار است: بین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی بر حسب سرمایه اجتماعی و عملکرد رسانه‌های داخلی رابطه مستقی وجود دارد؛ اما بر حسب عملکرد رسانه‌های خارجی، قربانی شدن مستقیم و غیرمستقیم از جرم، رابطه غیرمستقیم وجود دارد. همچنین این متغیر بر حسب منطقه محل سکونت، طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سن، جنس و وضعیت تأهل متفاوت نمی‌باشد.

کلمات کلیدی:

1- استاد جامعه شناسی دانشگاه اصفهان

2- استادیار جامعه شناسی دانشگاه اصفهان

3- دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان

امنیت، احساس امنیت، نیروی انتظامی، سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه ای، قربانی شدن

مقدمه:

تعاریف لغوی امنیت در فرهنگ های لغت عبارتند از: در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی از ترس، احساس ایمنی و رهایی از تهدید و امنیت یعنی در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن (میرعرب، 1337: 1379). امنیت دارای ابعاد عینی و ذهنی - روانی است؛ که هم شامل اطمینان و آرامش فیزیکی و هم آرامش روحی و روانی است (سرلک زایی، 1385: 136).

نیاز به امنیت همواره از نیازهای اصلی و اساسی انسان به شمار رفته است. براساس نظریه سلسله مراتب نیازهای آبراهام مازلو¹ در درون هر انسان هفت دسته نیاز وجود دارند، این نیازها عبارتند از: 1. نیازهای فیزیولوژیکی؛ 2. نیاز به ایمنی؛ 3. نیازهای اجتماعی؛ 4. نیاز به احترام؛ 5. خودشکوفایی؛ 6. معرفت پذیری؛ 7. زیبایی شناسی². بر اساس این نظریه برای افزایش رضایتمندی افراد باید ابتدا سعی کرد نیازهای اولیه افراد مانند خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای فیزیولوژیکی را تأمین نمود، در مراحل بعدی، مسئله امنیت شغلی، نیازهای ارتباطی در کار و نیاز به احترام مطرح می باشد (رضاییان، 1370: 176).

نیروی انتظامی به عنوان بازوی اجرایی دولت، در حوزه امنیت عمومی وظیفه ایجاد و حفظ نظم و امنیت را در کشور بر عهده دارد و وظیفه سامان دهی به هر گونه آشفتگی اجتماعی را در رأس کار خود قرار داده است (محبوبی منش، 1385: 23-24).

پلیس برای ایفای نقش حساس خود در مدیریت امنیت عمومی نیاز به برنامه ریزی جامع و همه جانبه و راهبردهای کلان در قلمرو امنیت عمومی دارد. از همین

1-Maslow

2- هرم سلسله مراتب نیازها مازلو 5 دسته است دانش اندوزی و زیبا شناسی بعدها به ایت سلسله مراتب اضافه شد

تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر نقش و حضور نیروی انتظامی... □ 77

رو نیروی انتظامی با اتخاذ رهیافتی علمی و نظام مند و با اعتقاد به لزوم هماهنگی تمام دستگاه‌های دخیل در حوزه امنیت عمومی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تولید و حفظ امنیت نقش دارند و بر اساس اصولی نظیر جامعه‌محوری، تقدم پیشگیری از وقوع جرایم، تمرکز عمده بر حقوق شهروندی، بسترهای اجتماعی امنیت و ایجاد ظرفیت‌های مشارکت پذیری در سیستم امنیت عمومی و... در سال‌های اخیر طرح راهبردهای کلان مدیریت امنیت عمومی را تدوین و پیشنهاد کرده‌است (عبدی، 1381: 11 و قالیباف، 1384: 20).

بنابراین مدیریت امنیت عمومی، مقوله‌ای پیچیده و چند بعدی است که با توجه به تغییرات اجتماعی سریع و آهنگ فزاینده آسیب‌های اجتماعی و افزایش حساسیت امنیتی پدیده‌های اجتماعی در جوامع مدرن عصر حاضر که «هر پدیده ساده می‌تواند تبدیل به یک تهدید جدی برای امنیت عمومی گردد» (افتخاری، 1384: 31) مهم تلقی می‌شود. بر این اساس، شناخت مجموعه عواملی که بر نقش و عملکرد پلیس در ایجاد احساس امنیت از دید شهروندان تأثیر می‌گذارد، پژوهشگران امنیت اجتماعی را یاری می‌رساند تا با نگاه تازه‌ای به سیاستگذاری در برنامه‌های نهاد انتظامی باعث افزایش نگاه مثبت به نقش پلیس و به تبع آن افزایش امنیت اجتماعی در جامعه گردند.

اهمیت و ضرورت

منابع تأمین کننده احساس امنیت برای گروه‌های مختلف متفاوت از یکدیگر است؛ این منابع در سه سطح اثرگذار می‌باشند: در سطح کلان ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشکسالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت؛ روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش‌های بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه قضاییه، نظام پولی، نظام‌مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و بسیاری

دیگر از پارامترها. ساختار میانی، احساس امنیت و روابط بین افراد جامعه در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل و غیره و برخورداری‌های اقتصادی، اجتماعی افراد، احساس امنیت در سطح خرد را شکل می‌دهد (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، 10:1382).

حفظ نظم و امنیت در سطح میانه، زمانی به بهترین نحو انجام می‌شود که با دخالت هر چند اندک پلیس، همراه باشد. با این که شهروندان خود می‌توانند کارهای زیادی در مورد حفظ نظم انجام دهند، اما پلیس اصلی‌ترین عامل برقراری نظم در جامعه است؛ زیرا هیچ یک از شهروندان حتی آنهایی که در قالب گروه‌های مردمی سازماندهی شده‌اند، احساس مسئولیت برای حفظ نظم عمومی ندارند. یونیفرم پلیس او را به عنوان شخصی که می‌بایست در صورت درخواست، قبول مسئولیت نماید از بقیه مردم متمایز می‌نماید. مواردی دیگر از قبیل داشتن اطلاعات کافی در خصوص قانون و نحوه برخورد صحیح برای برقراری نظم و داشتن اختیارات لازم و این که فرد خاطی قانع شود که یک مسئول قانونی با او صحبت می‌کند، نقش پلیس را در این مورد پررنگ تر می‌کند (ویلسون و کلینگ، 1982). در این پژوهش با نگاهی جامعه‌شناختی با توجه به اهمیت نقش و حضور نیروی انتظامی در ساختار میانی احساس امنیت، عواملی که بر این متغیر تأثیرگذار است را بررسی می‌کنیم.

بیان مسئله

در اواخر دهه 1960، احساس ناامنی به عنوان مسئله اجتماعی مهم که به درک علمی نیاز دارد و واکنشی اجتماعی به شمار می‌آید، مطرح شد. در دهه‌های بعد از آن، تأثیرات آکادمیک و سیاسی اغلب دیدگاه‌های دو قطبی شده در مورد راه حل‌های

ترس شهروندان، اداره پلیس یا هر دو گذاشته شد (رناآور، 2007: 45). دیدگاهی که اداره پلیس را بانی نظم و امنیت می‌دانست و معتقد بود که شهروندان می‌توانند در خیابان‌های شهر خود، از وقوع جرایم، جلوگیری کنند و روح جمعی را در بین اقدامات جمعی مستولی سازند. اداره‌های پلیس نیز می‌توانند با نصب پنجره‌های شکسته (ویلسون و کلینگ، 1982) و همکاری با شهروندان و مغازه‌های محلی برای ایجاد نظم محلی به طور جمعی، به مقابله با ترس شهروندان بپردازند. برخی طرفداران جلوگیری جمعی از جرم دیدگاه جین جاکوبز¹ (1961) را در نظم اجتماعی طبیعی و غیر رسمی اتخاذ نموده‌اند و معتقدند هیچ نیازی به نهادهای ثانویه همچون پلیس برای کاهش ترس وجود ندارد. هرچند محققان حوزه جرم چون هاتر بحث خود را در مورد کنترل اجتماعی جمعی با اشاره به مسئولیت وسیع دولت آغاز می‌کنند، اما او و دیگرانی مانند بورسیک و گراسمیک، پلیس را به عنوان نهادهای کلیدی در کنترل اجتماعی عمومی در محله‌ها مطرح می‌کنند (رناآور، 2007: 45).

رویکرد اصلی پلیس جهت ایفای نقش و مسئولیت اجتماعی و سازمانی خود پیشگیری از وقوع جرم و جنایت است، به هنگام وقوع جرم نیز برخورد با مجرم را به عهده دارد (کیانی، 1387: 154). در بسیاری از جوامع پیشرفته امروزی که با بهره‌گیری از آخرین فناوری‌های اطلاعاتی، برخوردهای چالشی و حتی چهره به چهره مردم با پلیس را به نسبت قابل توجهی کاهش داده‌اند، شناخت و استفاده بهینه از زمینه‌های ارتباطی بین پلیس با مردم می‌تواند محورهای جدیدی را در قالب مشارکت مردم در فرایند برقراری نظم و امنیت مورد توجه جدی قرار دهد. اگر خواستار ارتقا و افزایش کیفی زمینه‌های عامل و مشارکت میان فعالیت‌های پلیس با مردم و بالعکس هستیم؛ باید در این زمینه سرمایه‌گذاری لازم به عمل آوریم و راهبردها و مکانیزم‌های اجرایی و عملیاتی خاص را مدنظر داشته باشیم تا ضمن

1-Jane Jacob's (1961)

پرهیز از تقابل‌های غیرضروری، که عمدتاً موجب کاهش منزلت و جایگاه پلیس در جامعه، اتلاف منابع، انرژی و سرمایه‌های مادی و معنوی می‌شود، روز به روز شاهد رشد و شکوفایی تعاملی و پیوستگی بیشتر بین مردم با پلیس باشیم (کیانی، 1387: 154).

بدیهی است بدون حمایت عموم مردم، پلیس توانایی حل و فصل جرایم، کاهش مشکلات و حفظ نظم و همکاری در راستای جلوگیری از جرم را ندارد. اعتماد و اطمینان مردم به پلیس سنگ بنا و محور هر نوع همکاری عمومی برای مشروعیت پلیس در جوامع دموکراتیک است (رُز و جانگ، 2000).

همان‌گونه که مارنین¹ (1989)، می‌گوید: "در جامعه دموکراتیک، مردم حق دارند که به پلیس بگویند وظیفه‌اش چیست و چگونه باید وظایفشان را انجام دهند، در این مورد تردید وجود ندارد" علاوه بر این مقامات رسمی اجرای قانون که مایل به استخدام بهترین و تیز هوشترین مردان و زنان جامعه و نیز خواهان افزایش اعتبار اداره‌ی خود و حمایت مردم هستند، باید نسبت به افکار عمومی، دغدغه داشته باشند. مأموران رسمی اجرای قانون که چالش تعیین و پاسخ دهی به نیازهای جامعه را قبول کرده‌اند از چنین تلاش‌هایی سود می‌برند یا حداقل می‌توانند دوباره انتخاب و منصوب گردند (بندیکت و دیگران، 2000: 276). به گفته گلنسور و پیک² که "دستگیری‌ها به تنهایی، به ندرت می‌تواند به ارتقای وضعیت در مسائل پیچیده منطقه، در طولانی مدت منجر شود" همین‌طور گفته سواپ که "پاسخ سریع و بدون درنگ به تماس‌هایی که به منظور ارائه خدمت گرفته می‌شود، هم اکنون مؤثر نیست". پلیس باید روش‌های ابداعی کاهش جرم را گسترش دهد. برای رهایی از تاکتیک‌های سنتی پلیس و گسترش برنامه‌های مؤثر، پلیس در ابتدا باید هر چه بیشتر در مورد مردم و جوامع مورد حمایت آنها بیاموزد. خلاصه آنکه: "دیدگاهی که مردم

1-Marenin

2-Glensor&Peak,1998

نسبت به سازمان های پلیسی دارند بسیار مهم و حیاتی است. زیرا این امر تأثیرگذاری سازمان را تعیین کرده و به پیدایی توانایی کارکرد صحیح و مناسب در محیط آن منجر می شود. علاوه بر تعیین تاکتیک های سنتی پلیس با آنچه شهروندان در مورد آن نگران هستند، اعتماد اعضا را جلب می کند و همراه با آنها قانون به طور مؤثر در جامعه اجرا می شود (بندیکت و دیگران، 2000: 284). با توجه مطالب پیش گفته، در این پژوهش می کوشیم تا با شناخت و ارزیابی حوزه عملکرد پلیس و ارتباط آن با مردم و دیگر نهادها به نتایج قابل قبولی در این زمینه دست یابیم و در نهایت به ارائه راهکار پردازیم.

پیشینه تحقیق

نتایج تحلیل توصیفی و رگرسیون ربانی و همتی در مقاله «بررسی احساس ناامنی در میان شهروندان زنجان» نشان می دهد که ادراک ریسک قربانی شدن، رضایت از نیروی انتظامی و منطقه محل سکونت بیشترین توان تبیین احساس ناامنی را دارد و متغیرهایی چون سرمایه اجتماعی، سن، جنس، و رضایت از محل رابطه معنی داری را با احساس ناامنی به دست نیاورده اند (ربانی و همتی، 1388).

بهرام بیات در رساله دکتری اش با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت در شهر تهران» رابطه معنا داری بین میزان احساس ناامنی و متغیرهای میزان بروز جرائم، انتظار از پلیس، پرداخت رسانه ای، هویت، اعتماد، تعلق محله ای و کالبد شهری به دست آورده است (بیات، 1387).

نوروزی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود «سیاست جنائی در جرائم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان (با تکیه بر نظریه پنجره های شکسته در تهران) به این نتایج دست یافته است که: کنترل جرائم خرد موجب کاهش جرائم مهم نمی شوند، اما جرائم خرد بر احساس عدم امنیت شهروندان مؤثر است به گونه ای شهروندان، پلیس را متولی اصلی جرائم خرد می دانند (نوروزی، 1384).

مقاله ربانی و افشارکهن «شهرنشینی و امنیت؛ تحقیق در عوامل و شرایط مؤثر بر امنیت شهروندان، مورد شهر جدید بهارستان» نشان می‌دهد که اقدامات خانوادگی نقش مهمی در تأمین امنیت افراد دارند و نقش نمایندگان مجلس و شورای شهر بسیار ناچیز بوده است. در واقع پاسخگویان برای ایجاد امنیت بیشتر، متوجه متغیرهای شخصی، فردی و غیررسمی‌اند و کمتر از خلال نهادهای رسمی و مستقر، امید به ایجاد امنیت دارند (ربانی و افشارکهن، 1383).

یافته‌های فرجیها در مقاله «بازتاب رسانه ای جرم» نشان می‌دهد که: خبرنگاران و دبیران سرویس روزنامه‌ها و مدیران تنظیم خبر با گزینش اخبار جنایی و تعیین چگونگی بازتاب پدیده‌های جنایی در رسانه‌ها، نقش مؤثری در شکل‌گیری افکار عمومی در مورد جرم و عدالت ایفاء می‌کنند و گزینش اخبار جنایی بر مبنای شاخص‌های تعیین کننده «ارزش خبری» پیامدهای بیشماری از جمله بزرگ‌نمایی جرم‌های خشونت آمیز و افزایش احساس ناامنی در اجتماع را به دنبال دارد (فرجیها، 1385).

در مقاله ویل و مک‌گرا «جرم و جنایت، طرز تلقی‌ها از محل زندگی و طبقات پایین: ارتباط بین ترس از جرم و موقعیت طبقه» یافته‌ها نشان می‌دهد: افرادی که نیاز بیشتری برای تأمین سرمایه حضور پلیس در محل زندگی‌شان، که با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند و افزایش حمایت برای برنامه‌های رفاهی احساس می‌کنند، ترس بیشتری از جرم داشته و این به جهت نگرانی آنها از بابت کافی نبودن اقدامات انجام گرفته برای حمایت و محافظت از آنهاست احتمال کمی وجود دارد که افراد فقیر به دولت و رهبران تجاری و اقتصادی خود اطمینان داشته باشند. این عدم اطمینان در راستای افزایش سطح ترس از جرم است (ویل و مک‌گرا، 1995).

در پژوهش آدومیرکو «ترس از جرم در بین ساکنان جامعه آکرا و غنا» دو یافته مهم جلب توجه می‌کند: یافته اول، اگر چه قطعی نیست، اما برخی از پژوهش‌های

تجربی نشان می‌دهد که تجربه قربانی شدن در گذشته به ترس مربوط می‌شود. در پژوهش‌های جاری، قربانی شدن مستقیم و بی‌واسطه بر ترس از جرم تأثیر می‌گذارد. یافته‌ی دوم این که طرز تلقی ساکنان از پلیس محلی اثری بر ترس ندارد. این یافته با توجه به طرز تلقی ناخوشایندی که عموماً از پلیس محلی وجود دارد، شگفت‌آور نیست. در غنا، مانند دیگر کشورهای در حال توسعه، اعتقاد بر این است که پلیس با هزاران مشکل و مسئله همچون فساد، و فقدان توانایی‌ها و تجهیزات دست به‌گریبان است. نتیجه آن که آنها قادر به پاسخ‌گویی به انتظارات شهروندان به‌عنوان یک نهاد کنترل اجتماعی مؤثر نمی‌باشند. از این رو بسیاری از شهروندان، پلیس را محافظ یا حامی در مقابل آزار و اذیت‌ها و خطرات احتمالی نمی‌دانند (آدو-میرکو، 2002).

چارچوب نظری پژوهش

صاحب‌نظران بنام در حوزه امنیت و امنیت اجتماعی نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند برخی از ایشان نقش نیروی انتظامی در جامعه را به‌عنوان بانی امنیت، پررنگ‌تر از دیگران معرفی نموده‌اند. در این قسمت از پژوهش سعی بر آن شد، نظریه‌هایی انتخاب گردد که به برخی عوامل جامعه‌شناختی که نقش و حضور نیروی انتظامی را در ایجاد احساس امنیت تأثیرگذار می‌داند، پرداخته شود.

تبیین‌های نظری از نوع تعامل‌گرایی، ریشه‌های امنیت اجتماعی و مشارکت شهروندان در آن را در شخصیت اجتماعی کنشگران جستجو می‌کنند. امنیت در جامعه، زمانی به وجود می‌آید که حقوق اجتماعی شهروندان شناخته و رعایت شود و به دیدگاه آنها اهمیت داده شود. اهمیت دادن به تعاملات نیروهای خلاق مردمی، تخصصی کردن حوزه‌های عمل و ساختارهای پلیس، حضور اجتماعی آنها در متن جامعه و مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی از برجسته‌ترین نکات دیدگاه تفسیری است. بنابراین، برقراری اصل نظم و امنیت اجتماعی بر

عهده‌ی مردم و فرهنگ جامعه است و در این راستا مشارکت مردمی و تنظیم روابط و تعامل با پلیس از مهم‌ترین اصول در تحقق امنیت در جامعه است (محکی، 1384: 232). همکاری و تعامل روزافزون پلیس با شهروندان به‌طور مستقیم از طریق افزایش احساس اثربخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان و دخالت دادن آن‌ها در امور همسایگی و شهر، احساس ناامنی را کاهش می‌دهد. مشارکت شهروندان در گروه‌های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه‌های پاک‌سازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت آن‌ها کمک می‌کند (همتی، 1389: 130).

هنگامی که پلیس با شهروندان از طریق گروه‌های محلی همسایگی، فعالیت‌های نوجوانان، مدارس و... تعامل می‌کند این همکاری و مشارکت، پیوندهای واقعی شهروندان بین پلیس و شهروندان را تقویت و تحکیم می‌کند و باعث کاهش احساس ناامنی می‌گردد (روه و الیور، 2005).

تلقی شهروندان از مشروعیت و ارتباط با آئین دادرسی قضایی (سنجش دیدگاه مردم) می‌تواند بر عملکرد کنترل اجتماعی پلیس از طریق تأثیر بر اعتماد همکاری شهروندان، اثر بگذارد. اگر رفتار پلیس محله که ضامن امنیت عمومی است، غیرقابل توجه و بی‌ادبانه تلقی شود، به تبع آن اظهار چنین احساساتی، می‌تواند به ابراز بیشتر احساس ناامنی منجر گردد، زیرا آنها فاقد اعتماد به عملکرد کنترل اجتماعی پلیس هستند (رنا‌آور، 2007: 46). از مجموع مطالب ذکر شده از پیشینه تحقیق (ربانی و همتی، بیات، ربانی و افشارکهن) و تبیین‌های نظری از تعامل‌گرایی، دیدگاه تفسیری و نظرات روه و الیور و رنا‌آور می‌توان این فرضیه را استنباط نمود که بین سرمایه اجتماعی و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت رابطه وجود دارد.

به نظر آلبرت بندورا^۱ (1986)، بسیاری از ترس‌های ما، به تلویزیون و سایر رسانه‌های خبری مربوط می‌شود. چنان که تبلیغات زیاد درباره تجاوزهای جنسی، سرقت‌های مسلحانه یا قتل‌ها ممکن است جامعه را به وحشت اندازد و باعث شود افراد خود را پشت درهای قفل شده محبوس کنند. اغلب افراد بدون آنکه مورد تجاوز جنسی، سرقت، یا صدمه عمدی قرار بگیرند، در حالت ترس به سر می‌برند. اعمال تبهکارانه خشونت‌بار که تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌رسند، بیشتر از همه، واکنش‌های فوبیک را بر می‌انگیزد (فیست و فیست، 1386: 386).

اگر به گفته لومان^۲ (1984، 1975 و 1989) رسانه‌های سمبلیک همگانی، صلاحیت خود را از دست بدهند که این امر ناشی از شکل‌گیری تصمیمات الزام‌آوری خاص است، قوام نظام اجتماعی تهدید می‌شود. عملکرد این رسانه‌های سمبلیک مربوط به اعتمادی می‌شود که آنها ایجاد می‌کنند و در زندگی روزمره حفظ می‌نمایند. برای مثال، شهروندان می‌دانند که پلیس نمی‌تواند هر رفتار مجرمانه و هر قانون شکنی را کنترل کرده و با آن مقابله کند. از این رو، آنها از موفقیت‌های گاه به گاه و کاهش برخی شرایط مخاطره‌آمیز مانند دستگیری مجرمان شناخته شده و خطرناک، پاکسازی موقت منطقه از مصرف‌کنندگان مواد مخدر و تریاک احساس رضایت می‌کنند. بنابراین این شیوه‌ها اعتماد شهروندان را از ساز و کار کنترل اجتماعی به جهت توانایی آن در مقابله با خطرات زندگی روزمره در سطحی قابل قبول حفظ می‌نماید. اگر شهروندان احساس کنند که پلیس بی‌تأثیر یا فاسد است یا نهادهای اجرای قانون در کار خود شکست خورده‌اند، بی‌اعتمادی همراه با پیامدهای سوئی که بر انسجام اجتماعی و قبول و رعایت هنجارهای اجتماعی دارد، بر جامعه مستولی خواهد شد. اما اگر احساس غالب آن باشد که شرایط در مقابل قانون شکنی‌ها تحت کنترل است، عدم آگاهی (غفلت) پیشگیرانه عمل خواهد کرد

1-Albert Bandura

2-Luhmann

(لامبروپولو، 2007:102). به هر روی با مجموع نظریات (بندورا و لومان) و تحقیق فرجیها می توان این فرضیه را استنباط نمود که بین عملکرد رسانه‌ها و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت رابطه وجود دارد.

اطمینان هم از طریق تجربه شخصی، تجربه خویشاوندی، دوستی و همکاران می تواند حفظ شود و هم از طریق تجربه‌های بیان شده سوم شخص. تبادل چنین دانشی از طرق مختلف حاصل می شود که مهم ترین آنها رسانه‌های گروهی هستند. رسانه‌ها پخش و انتشار تجارب شخصی را، تسهیل می کنند (لامبروپولو: 103، 2007). قربانی جرم شدن، با ترس ارتباط مستقیم دارد اما این ارتباط ضعیف است. باین همه، رابطه هنگام کنترل بیشتر متغیرهای مهم آسیب پذیری (مانند جنسیت، سن، نژاد و درآمد) قوی تر می شود. همچنین تحقیقات اخیر نشان داده است که الف) احساس ناامنی از جرم فراگیرتر از خود جرم است، ب) انتشار و گسترش جنایات مختلف تأثیرات متفاوتی بر احساس ناامنی اعمال می کند که حاکی از آن است که احساس ناامنی یک مفهوم چند وجهی است (میسلی و دیگران، 2004). علاوه بر این، اینکه ساکنان، چقدر نهادهای کنترل گر اجتماعی نظیر پلیس را مؤثر بدانند، بر احساس آسیب پذیری آنها یا محافظت در برابر خطر قربانی شدن تأثیر به سزایی دارد (آدو-میرکو: 155، 2002).

حضور پلیس در محل زندگی در کاهش درک خطر احتمالی از جرایم و هم چنین کاهش احساس ناامنی تأثیر مستقیم دارد. این تأثیر که از طریق توانایی جمعی بالا و رضایت خاطر بالا از محل زندگی به میزان متعادل و متوسطی می رسد، همکاری‌های آینده بین ساکنان و اجرای قانون در مبارزه با جرایم را نوید می دهد. در هماهنگی با منابع پیشین در مورد سرمایه اجتماعی، محله‌هایی با تعداد زیادی از نهادهای گوناگون (مانند پلیس، مدارس، کلیسا و ارگان های خدماتی) احتمالاً بهتر می توانند هنجارهای اجتماعی رفتار مطلوب را با موفقیت به اجرا درآورند و فرصت

شرکت در سازمان های محلی به منظور آسایش همگانی و جمعی محل زندگی را برای شهروندان فراهم نمایند. یکی از تأثیرات مثبت میزان بالای قابلیت جمعی و رضایت خاطر کلی همان‌گونه که اشاره شد، کاهش نگرانی شهروندان در قبال جرم و جنایت و احتمال قربانی شدن آنهاست. البته ساکو^۱ دریافت که یکپارچگی در شبکه‌های مترکم حمایت اجتماعی در واقع نگرانی افراد را در مورد امنیت شخصی به جای کاهش، افزایش می‌دهد. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که در مقایسه با افرادی که فاقد حمایت اجتماعی خویشاوندان و غیر خویشاوندان خود می‌باشند، افرادی که حمایت عاطفی- اجتماعی بالایی از خانواده و دوستان خود دریافت می‌کنند، در مورد جرایم محیط پیرامونشان و امکان قربانی شدن خود و یا آنان که دوستشان می‌دارند، عمیقاً نگران هستند. تا به امروز، تحقیقات در مورد رابطه بین شبکه‌های حمایتی اجتماعی، یکی از ارکان مفهومی چارچوب سرمایه اجتماعی، و احساس ناامنی، شواهد متناقضی ارائه کرده است. مطالعات بیشتر در بررسی آثار شبکه‌های اجتماعی بر احساس ناامنی می‌تواند به شفاف سازی ماهیت اصلی رابطه بین این ساختارها کمک کند(فرگوسن و میندل: 2007، 234). با توجه به مجموع پیشینه تحقیق(نوروزی و آدومیرکو) و نظرات لامبروپولو، میسلی و دیگران، آدومیرکو، ساکو، فرگوسن و میندل می‌توان این فرضیه را استنباط نمود که بین قربانی شدن از جرم و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت، رابطه وجود دارد.

طرز تلقی از مشروعیت پلیس و عدالت^۲، می‌تواند بر تمایل به اطاعت از قانون و میزان آن تأثیر گذارد. کین(2005)^۳، دریافت که در فقیرترین محله‌های شهر نیویورک، سوء عملکرد پلیس باعث تشدید جرائم بیش از حد خشن، افزایش در

1-Sacco

2- در اکثر تحقیقات برای ارزیابی اعتماد به پلیس از مردم، مواردی چون «کیفیت رفتار- رفتار همراه با احترام و شرافت- آگاه ساختن افراد از حقوقشان و داشتن و در نظر گرفتن نیاز افراد» پرسیده می‌شود(رناآور، 2007: 45).

3-Kane,2005

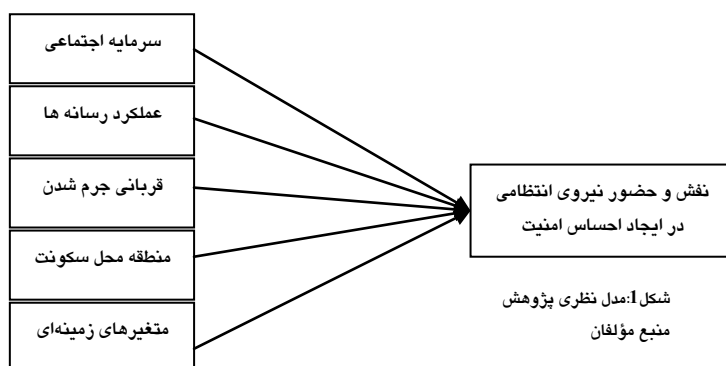
میزان جرائم خشونت بار می‌گردد. اگر بخشی از جمعیت محله نسبت به پلیس بی‌اعتماد شوند و رفتار پلیس را بی‌ثبات و متزلزل تلقی کنند، تمایل شهروندان برای گزارش جرائم، همکاری برای تفحصات و کمک به حل مسائل مشترک، ممکن است از بین برود. عقاید منفی در مورد رفتار پلیس ممکن است بر فرهنگ زورگویانه در محله‌های فقیر تأثیر متقابل داشته باشد که به احساس عدم احترام بیشتر شهروندان نسبت به پلیس منجر می‌گردد و در عوض احتمال برخورد و پاسخ‌دهی نامناسب پلیس را افزایش می‌دهد (رناآور، 2007: 46).

در برخی محلات آمار جرم آن قدر بالاست و آن قدر مشکلات اخلاقی وجود دارد که گشت‌های پیاده نیز بی‌فایده است. بهترین کاری که پلیس می‌تواند انجام دهد این است که با نیروهای محدودش به درخواست‌های مردم پاسخ دهد. برخی از محلات با ثبات و امن هستند و نیازی به گشت‌های پیاده ندارند. بهترین راه، شناسایی محلاتی است که در آستانه سقوط قرار دارند. جاهایی که نظم عمومی در آنها رو به کاهش است قابل اصلاح هستند. محلاتی که مردم با نگرانی در خیابان‌های آن قدم می‌زنند و هر لحظه احتمال شکستن پنجره‌ای وجود دارد، پنجره‌ای که شکسته است هر چه زودتر باید عوض شود تا مبادا تمامی پنجره‌ها شکسته شود. بیشتر بخش‌های پلیس فاقد روش‌هایی هستند که بتوانند به وسیله آن این محلات را شناسایی نمایند و یا مأمورانی را در آنها به کار گیرند. مأموران باید با توجه به میزان وقوع جرائم در محلات گمارده شوند و یا باید بر اساس تماس‌های مردم به محل جرم روند. این علی‌رغم این واقعیت است که اکثر مردم برای مشکلات کم‌اهمیت با پلیس تماس می‌گرفتند. اداره پلیس می‌بایست نگاهی به محلات مختلف بیاندازد و از شواهد و قرائن دست اول نتیجه‌گیری نماید که در کدام محله مأمورین می‌توانند در ارتقا و احساس امنیت مردم مؤثر باشند تا گشت‌ها را به آن محل اختصاص دهد (ویلسون و کلینگ، 1982). از مجموع مطالب یاد شده

از پیشینه پژوهش)، می‌توان این فرضیه را استنباط نمود که نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت در بین مناطق محل سکونت متفاوت می‌باشد.

فرضیات تحقیق:

1. بین سرمایه اجتماعی و نقش و حضور پلیس در ایجاد احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.
2. بین عملکرد رسانه‌های داخلی و خارجی و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت رابطه وجود دارد.
3. بین تجربه (قربانی شدن) مستقیم یا غیرمستقیم از جرم و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت رابطه غیرمستقیم وجود دارد.
4. نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت برحسب منطقه محل سکونت متفاوت می‌باشد.
5. میانگین نقش و حضور پلیس در ایجاد احساس امنیت بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (طبقه، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و جنس) متفاوت می‌باشد.



روش تحقیق و مراحل آن

چارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی^۱ و روش پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه به روش پیمایشی^۲ صورت گرفته است. تحقیق ماهیت کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر می باشد. واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل خرد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. جامعه آماری، افراد 15 تا 65 سال اصفهانی است. بر اساس سرشماری سال 1385 کل جمعیت شهر اصفهان، 1788567 نفر و افراد 15-65 ساله، 1321985 نفر می‌باشند.^۳ روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای، که از هر خوشه چند بلوک به‌طور تصادفی انتخاب و با توجه به حجم خانوار و ترکیب جنسی به‌طور متناسب در داخل آنها توزیع گردیده است. حجم نمونه تقریباً 384 نفر است که بر اساس فرمول (کوکران) مقابل محاسبه گردید.

$$0/5, q=0/5, t=1/96 \quad n = \frac{t^2 \cdot pq}{d^2} \Leftrightarrow n = \frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2} = 384$$

$$1 + \frac{1}{N} \cdot \left(\frac{t^2 \cdot pq}{d^2} - 1 \right) \quad 1 + \frac{1}{1788567} \times \left(\frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2} - 1 \right)$$

$$N=1788567, d=0/05, p=$$

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه همراه با اعتبار^۴ صوری (رفع ایراد توسط استادان و صاحب نظران روش تحقیق) و پایایی^۵ (ضریب آلفای کرونباخ) بوده است.

1-Documentary Method

2-Survey Method

3-لازم به توضیح است که در سال 1385 مناطق یازده گانه اصفهان، چهارده منطقه تقسیم بندی گردیده است، از آنجایی که هنگام جمع آوری داده‌ها به جمعیت هر کدام از مناطق به طور جداگانه نیاز داشتیم و این آمار در دسترس نبود، مبنای نمونه گیری از پایان نامه هاشمیان فر که تفکیک مناطق یازده گانه در آن صورت گرفته بود، لحاظ گردید. (مؤلف)

4-Validity

5-Reliability

جدول (شماره 1): معرفی گویه های سنجش متغیرها و ضریب آلفای کرونباخ آن ها در

پرسشنامه

متغیرها	ابعاد	گویه‌ها	ضریب روایی
نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت	جدیت	سرعت پلیس در نیاز مردم؛ قاطعیت در برخورد با مجرمین؛ دقت عمل در شکایات	0/8029
	عملکرد	داشتن گشت در شب و روز؛ در دسترس بودن؛ برخورد احترام آمیز	0/6256
سرمایه اجتماعی	توانایی	داشتن تجهیزات لازم؛ توانایی در مقابله با جرایم؛ داشتن نیروی متخصص و ماهر	0/7189
	اعتماد	اعتماد غیررسمی اعتماد بین اعضای خانواده، افراد فامیل، آشنایان و افراد محل؛ اعتماد تعمیم یافته شامل اعتماد به غریبه ها و اکثر مردم؛ اعتماد رسمی به گروهها و سازمانها	0/7490
عملکرد رسانه ها	آگاهی	میزان دانش و آگاهی فرد از حقوق شهروندی و سازمان‌های دولتی؛ آگاهی سیاسی	0/7411
	مشارکت	مشارکت اجتماعی؛ مشارکت مدنی که با عضویت سازمانی همراه است	0/8195
قربانی شدن	داخلی	رادیو؛ تلویزیون؛ روزنامه؛ مجله و هفته نامه؛ اینترنت	0/6596
	خارجی	ماهواره؛ رادیو؛ اینترنت	0/6715
	مالی	سرقت کیف پول، طلا و....؛ سرقت اتومبیل؛ سرقت منزل؛ زورگیری و اخاذی	0/6814
اخلاقی	جانی	درگیری خیابانی؛ تعقیب و مزاحمت؛ تجاوز به عنف و صدمه؛ توقف اتومبیل برای سوارشدن	0/6901
	اخلاقی	شنیدن متلک؛ لمس بدن و تنه زدن؛ عرض اندام اراذل و اوباش؛ مواجهه با مردان عورت نما	0/8026

تعریف واژه های کلیدی

1. امنیت اجتماعی¹: امنیت از ریشه لاتین Securus است که در لغت به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه» است. بنابراین معنای لغوی امنیت رهایی از خطر،

- تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است (ماندل، 1379: 44).
2. نیروی انتظامی¹: به عنوان بخش مهمی از نظام سیاسی یک کشور وظیفه خطیر تأمین امنیت داخلی را بر عهده دارد. این نیرو از جمله ارگان‌های خدمت‌رسانی به آحاد جامعه جهت تأمین امنیت تلقی می‌گردد (نصیب، 1384: 200).
3. قربانی شدن از جرم: الف) قربانی شدن (تجربه) مستقیم از جرم²: منظور از قربانی شدن واقعی تجربه مستقیم و عینی خود فرد از هر یک از جرائم (دزدی، سرقت، جیب‌بری، تجاوز و مواردی از این دست) که در یک محدوده زمانی مشخص روی داده است. ب) قربانی شدن (تجربه) غیر واقعی (غیر مستقیم) از جرم³: میزان آگاهی فرد از رخداد جرائم برای اشخاصی چون دوستان، همسایگان، اعضای خانواده از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی محلی، گفتگوهای شخصی با دیگران، شایعات یا رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه).
4. سرمایه اجتماعی: پاتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم چون اعتماد، هنجارها (تعهد) و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد (کتابی و دیگران، 1383: 173).
5. عملکرد رسانه‌ها: از آنجا که رسانه‌های همگانی در جوامع امروزی نقش مهم در فراگرد اجتماعی شدن دارند (کوئن، 1375: 80) و اکثریت مردم از طریق رسانه‌های جمعی از حوادث و اخبار آگاه می‌شوند، به همین دلیل رسانه‌ها با عملکرد خود بر زندگی مردم به ویژه افکار و احساسات آنان

1 - Force

2 - real victimization

3 - vicarious victimization

تأثیرگذار هستند. این عملکرد می‌تواند هم در داخل مرزها و هم خارج از مرزهای یک کشور تأثیرگذار باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بخش توصیفی: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت، از کل نمونه، (46/9) درصد را مرد و (53/1) درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بر حسب گروه سنی (17/2) درصد متعلق به گروه سنی 15-19 ساله، (23/40) درصد گروه سنی 20-24 ساله، (18/8) درصد گروه سنی 25-29 ساله، (8/9) درصد گروه سنی 30-34 ساله، (7/3) درصد گروه سنی 35-39 ساله، (7/8) درصد گروه سنی 40-44 ساله، (5/7) درصد گروه سنی 45-49 ساله، (4/4) درصد گروه سنی 50-54 ساله، (1/6) درصد گروه سنی 55-59 ساله و (1/3) درصد گروه سنی 65 سال و بالاتر می‌باشند. بر حسب محل سکونت از کل نمونه، (31/3) درصد افراد ساکن در منطقه بالای شهر (منطقه 5)، (39/3) درصد افراد ساکن در منطقه متوسط شهر (منطقه 1) و (29/4) درصد افراد ساکن در منطقه پایین شهر (منطقه 7) را تشکیل می‌دهند. بر حسب وضعیت تأهل از کل نمونه توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل، (47/9) درصد افراد مجرد، (48/2) درصد افراد متأهل و (3/9) درصد افراد بی‌همسر (بر اثر طلاق یا فوت همسر) می‌باشد. بر حسب پایگاه اجتماعی- اقتصادی از کل نمونه پاسخگویان (44/8) درصد افراد متشکل از طبقه پایین، (30/2) درصد افراد طبقه متوسط و (25/0) درصد افراد طبقه بالا می‌باشند (لازم به توضیح است که برای ساختن این متغیر از ترکیب چند گویه، یعنی نوع مسکن، مالکیت اتومبیل و قیمت آن، میزان هزینه ماهیانه خانواده، منطقه محل سکونت و نوع شغل سرپرست خانوار استفاده گردید).

بخش استنباطی: برای آزمون وجود رابطه بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای (سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه‌ها، تجربه مستقیم و غیرمستقیم از جرم) با متغیر وابسته

(نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت) از آزمون همبستگی پیرسون¹ استفاده گردید. هدف از آن، بررسی رابطه بین دو متغیر (مستقل و وابسته) در سطح فاصله‌ای بوده است که معیار r نشان دهنده ضریبی است که دامنه اش از -1 تا +1 می‌باشد. مقدار 0/000 گویای عدم رابطه میان دو متغیر و +1 رابطه مثبت کامل و -1 رابطه منفی یا معکوس کامل است (کورتز، 1384: 311). برای آزمون متغیرهای مستقل اسمی چند گروهی (طبقه اجتماعی، منطقه محل سکونت، سن و تحصیلات) تحلیل واریانس یکطرفه² و متغیرهای مستقل اسمی دو گروهی (جنس) آزمون دو نمونه‌ای مستقل³ استفاده گردید. هدف از اجرای این دو آزمون مقایسه میانگین‌ها بوده است تا مشخص شود که تفاوت‌های موجود بین میانگین‌ها تصادفی است یا متأثر از عامل (متغیر مستقل) و معنادار (سرمد و دیگران، 83).

جدول (شماره 2): آزمون همبستگی پیرسون بین مجموع متغیرهای مستقل و

نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت

نقش نیروی انتظامی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سرمایه اجتماعی	0/201	0/000
عملکرد رسانه‌های داخلی	0/129(*)	0/012
عملکرد رسانه‌های خارجی	-0/129	0/011
قربانی شدن مستقیم از جرم	-0/175(**)	0/001
قربانی شدن غیر مستقیم از جرم	-0/183(**)	0/000

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

1. در فرضیه رابطه بین متغیر سرمایه اجتماعی و نقش و حضور نیروی انتظامی

در ایجاد احساس امنیت با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون (مقدار r)

1 - Pearson correlation

2 - Anova

3 - T.test

$0/201 =$ و سطح معنی داری $=0/000$ ، (جدول شماره 2) می توان اظهار داشت که بین دو متغیر ذکر شده با اطمینان لازم رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. یعنی افرادی که از سرمایه اجتماعی (با ابعاد آگاهی، اعتماد و مشارکت) بالایی دارا هستند، نسبت به کسانی که از این سرمایه بهره کمتری دارند حضور و نقش نیروی انتظامی در احساس امنیت را مثبت تر ارزیابی می کنند، بنابراین فرضیه مورد نظر مورد تأیید واقع می گردد.

2. در فرضیه رابطه بین متغیر عملکرد رسانه های داخلی و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون $r = 0/129$ و سطح معنی داری $=0/012$ ، (جدول شماره 2) می توان اظهار داشت که بین این دو متغیر با اطمینان لازم رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. یعنی رسانه های داخلی (تلویزیون، رادیو، مجلات، روزنامه و سایت های داخلی) در به وجود آوردن نگاه مثبت نسبت به عملکرد نیروی انتظامی تا حدودی موفق عمل کرده اند. و فرضیه مورد نظر در جهت مثبت آن تأیید می گردد.

در بررسی رابطه بین متغیر عملکرد رسانه های خارجی (رادیوهای بیگانه، ماهواره و سایت های اینترنتی) و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون (مقدار $r = -0/129$) و سطح معنی داری $=0/011$ ، (جدول شماره 2) می توان بیان داشت که این رسانه ها نقش نیروی انتظامی را در احساس امنیت کشور مخدوش نشان می دهند و به تضعیف نهاد نیروی انتظامی به خصوص کارگزاران آن می پردازند. از این رو فرضیه عملکرد رسانه های خارجی در رابطه با نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت در جهت منفی (معکوس) مورد تأیید واقع می شود.

3. در بررسی رابطه بین دو متغیر قربانی شدن واقعی (تجربه مستقیم) از جرم و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت با توجه به نتایج

آزمون همبستگی پیرسون (مقدار $r = 0/175$ - و سطح معنی داری $= 0/001$)، (جدول شماره 2) می‌توان اظهار داشت که بین این دو متغیر رابطه‌ای معنادار غیرمستقیم برقرار است. به عبارتی افرادی که قبلاً قربانی جرایمی چون (سرقت، صدمه جانی و...) شده‌اند، این تجربه را منوط به کم‌کاری نیروی انتظامی در به وجود آوردن احساس امنیت دانسته و نسبت به کسانی که این تجربه را نداشته‌اند، احساس امنیت کمتری را ارزیابی نموده‌اند. لذا فرضیه مورد نظر در جهت منفی تأیید می‌گردد.

در بررسی رابطه بین متغیر قربانی شدن غیرواقعی (تجربه غیر مستقیم) از جرم نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت با توجه به نتایج این آزمون همبستگی پیرسون (مقدار $r = 0/183$ و سطح معنی داری $= 0/000$)، (جدول شماره 2) می‌توان بیان نمود که بین این دو متغیر نیز رابطه معنادار و غیرمستقیم وجود دارد. همان‌طور که در رابطه بین متغیر قربانی شدن واقعی (تجربه مستقیم) از جرم و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت فرضیه مورد نظر به تأیید رسید، در این فرضیه هم رابطه‌ای بین کسانی که از جرم تجربه غیر مستقیم دارند (یعنی قربانی جرم نشده‌اند بلکه از زبان دوستان و اطرافیان خود آن راشنیده‌اند) این تجربه را ناشی از عدم کارآمدی پلیس در کاهش جرائم و ایجاد احساس امنیت می‌دانند. و فرضیه مورد نظر نیز در جهت منفی مورد تأیید واقع می‌گردد.

جدول (شماره 3): نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه بین منطقه محل سکونت و نقش و

حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت

سطح معنی داری (sig)	کمیت (F)	میانگین مجذورات	درجه آزادی (df)	مجموع مجذورات	واریانس	
0/640	0/446	33/590	2	67/180	بین گروهی	منطقه محل سکونت
—	—	75/247	381	067286 69	درون گروهی	
—	—	—	383	247287 36	جمع کل	

4. برای بررسی فرضیه تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت بر حسب محل سکونت (بالا، متوسط و پایین) با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس (مقدار $F=0/446$ و سطح معنی داری $=0/640$)، (جدول شماره 3)، می توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر حسب مناطق مختلف شهر متفاوت نمی باشد و تمامی مناطق شهر اصفهان (بالا، متوسط و پایین) به میزان یکسانی نقش و حضور نیروی انتظامی را در ایجاد احساس امنیت مؤثر می دانند. بنابراین فرضیه مورد نظر که بیان کننده وجود تفاوت در بین مناطق بوده، رد می گردد.

جدول (شماره 4): نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه بین متغیرهای اسمی چند حالتی

مستقل و نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت

سطح معنی داری (sig)	کمیت (F)	میانگین مجذورات	درجه آزادی (df)	مجموع مجذورات	واریانس	
0/887	0/120	0/112	2	0/224	بین گروهی	طبقه
—	—	0/930	381	50135	درون گروهی	
—	—	—	383	725	جمع کل	
0/079	1/700	1/546	10	15/461	بین گروهی	سن
—	—	0/910	373	264	درون گروهی	
—	—	—	383	725	جمع کل	
0/135	1/561	1/429	8	11/435	بین گروهی	سطح تحصیلات
—	—	0/915	375	290	درون گروهی	
—	—	—	383	725	جمع کل	
0/652	0/899	0/296	42	12/427	بین گروهی	وضعیت تأهل
—	—	0/329	341	196	درون گروهی	
—	—	—	383	622	جمع کل	

5. نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (مقدار $F=0/120$ و سطح معنی داری $=0/887$)، (جدول شماره 4) در فرضیه تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت در بین طبقات مختلف اجتماع (بالا، متوسط و پایین)، با توجه به عدم تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در

احساس امنیت بر حسب طبقات مختلف می توان نتیجه گرفت که میانگین نمرات هر سه گروه در متغیر نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت تا حدودی نزدیک به هم است و تفاوت چندانی در این میانگین مشاهده نمی شود. به عبارتی همه قشرهای اجتماع نمونه آماری با یک دیدگاه به نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت توجه دارند. بنابراین فرضیه مورد نظر رد می شود.

نتایج آزمون تحلیل واریانس (مقدار $F=1/700$ و سطح معنی داری $=0/079$)، (جدول شماره 4) برای فرضیه تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر حسب گروه های سنی (جوان، میانسال و بزرگسال) بیان می کند که میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت در بین سنین مختلف تقریباً به طور یکسانی بوده است، با اینکه انتظار می رفت که بزرگسالان با توجه به ضعف جسمانی اتکا و توجه بیشتری به حضور پلیس در ایجاد احساس امنیت داشته باشند تا جوانترها، اما این نگرش در همه سنین در نمونه مورد بررسی یکسانی ارزیابی شده و فرضیه مورد نظر رد می شود.

نتایج آزمون تحلیل واریانس (مقدار $F=1/561$ و سطح معنی داری $=0/135$)، (جدول شماره 4) برای فرضیه تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر حسب گروه های تحصیلی (زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس و فوق لیسانس و بالاتر) نشان از عدم تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت در بین گروه های تحصیلی دارد و نشان می دهد که از بین نمونه انتخاب شده در شهر اصفهان همه سطوح تحصیلی، نقش نیروی انتظامی را در ایجاد احساس امنیت یکسان تلقی می نمایند و فرضیه مورد نظر رد می گردد.

نتایج آزمون تحلیل واریانس (مقدار $F=0/899$ و سطح معنی داری $=0/652$)، (جدول شماره 4) برای فرضیه تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر حسب وضعیت تأهل (مجرد، متأهل و سایر) نشان از عدم تفاوت

میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر حسب گروه‌های تأهل می‌باشد و این فرضیه نیز مورد تأیید واقع نمی‌گردد.

جدول (شماره 5): آمار توصیفی آزمون (t-test) برای تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس

امنیت بر حسب جنس

تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف میانگین
مرد	180	0/0000	0/65188
زن	204	0/1716	0/60009

جدول (شماره 6): نتایج آزمون (t-test) تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر

حسب جنس

مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
-1/324	382	0/1716	0/186
-1/322	374	1/1716	0/187

برای آزمون تفاوت میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر حسب جنس از آزمون دو نمونه‌ای مستقل استفاده گردید (جدول شماره 6). نتایج به دست آمده (مقدار $t = -1/324$ و سطح معنی داری $= 0/186$) بیانگر عدم وجود تفاوت معنادار بین میانگین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت زنان و مردان است و با مقایسه میانگین‌ها در بین دو گروه (زنان با میانگین $= 29/0000$ و مردان با میانگین $= 30/1716$) مشاهده می‌شود که تفاوت چندانی از نظر نمره میانگین در بین دو گروه وجود نداشته و فرضیه مورد نظر رد می‌شود.

تحلیل رگرسیونی

در قسمت‌های قبل، رابطه‌ی متغیرها، براساس فرضیات تحقیق به صورت دوجه‌دو

بررسی شد. اکنون با استفاده از رگرسیون چند متغیره¹ (R) سعی داریم تا تأثیر مجموع متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته بررسی کنیم. این ضریب برای سنجش حداکثر رابطه‌ای است که می‌توان بین ترکیبی از متغیرهای فاصله‌ای (مستقل) و متغیر فاصله دیگری (وابسته) پیدا کرد (میلر، 2011:1380). و می‌تواند به ما بگوید متغیرهای مستقل (پیش بین) تا چه حد توان تبیین واریانس متغیر وابسته را دارد.²

جدول (شماره 7): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

sig	t	ضریب استاندارد	رگرسیون	ضریب زاویه	فرضیات تحقیق
		β	انحراف معیار	b	
0/000	8/725	-	0/298	2/597	-----
0/001	3/271	0/177	0/051	0/165	سرمایه اجتماعی
0/327	-0/981	-0/056	0/068	-0/067	پایگاه اجتماعی-اقتصادی
0/740	0/332	0/018	/020	0/007	سن
0/820	-0/228	-0/013	/038	-0/009	سطح تحصیلات
0/000	3/826	0/198	/050	0/191	عملکرد رسانه های داخلی
0/008	-2/676	-0/139	0/046	-0/123	عملکرد رسانه های خارجی
0/179	-1/346	-0/085	0/360	-0/484	قربانی شدن مستقیم از جرم
0/141	-1/475	-0/093	0/280	-0/412	قربانی شدن غیر مستقیم از جرم

همان‌طور که ملاحظه می‌شود 8 متغیر مستقل فاصله‌ای در شکل رگرسیونی قرار گرفتند که ضریب همبستگی چندگانه‌ی آنها با نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت برابر $R=0/341$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/116$ به دست آمده است.

1-Multiple correlation coefficient

1- لازم به توضیح است از آنجا که در تحلیل رگرسیون می‌بایست تمام متغیرهای فاصله‌ای وارد تحلیل گردد در این پژوهش نیز آن دست متغیرهایی که قابل تبدیل به متغیر فاصله‌ای بودند وارد تحلیل شدند.

این ضریب بیانگر آن است که در حدود 0/11 از واریانس یا پراکندگی متغیر نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تجربی تحقیق تبیین می‌گردد و بقیه‌ی واریانس پراکندگی، توسط متغیرهایی تبیین می‌شود که در تحقیق ما وارد نشده است. همچنین جدول (شماره 7) نشان می‌دهد از بین متغیرهای مستقل، متغیر عملکرد رسانه‌های داخلی با $\beta = 0/198$ بیشترین تأثیر را بر متغیر نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت دارد و پس از آن سرمایه اجتماعی با $\beta = 0/177$ ، عملکرد رسانه‌های خارجی با $0/139$ - $\beta =$ قربانی شدن مستقیم با $\beta = -0/093$ ، قربانی شدن غیرمستقیم با $0/085$ - $\beta =$ پایگاه اجتماعی - اقتصادی با $\beta = -0/058$ ، سن با $\beta = 0/018$ و در آخر تحصیلات با $\beta = -0/013$ در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته است. ضریب معناداری در جدول (شماره 8) نشان می‌دهد، با $p \leq 0/05$ می‌توان نتایج تحقیق را به جامعه آماری تعمیم داد.

در جدول ذیل تحلیل واریانس برای آزمون معناداری شکل رگرسیونی نمایش داده شده است.

جدول (شماره 8): تحلیل واریانس برای آزمون معناداری شکل رگرسیونی (برآورد

واریانس)

کل	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجذورات	کمیت (F)	سطح معنی داری (sig)
مجموع مجذورات رگرسیون	41/189	9	4/577	459/5	0/000
مجموع مجذورات باقیمانده	536/313	374	0/838	—	—
مجموع مجذورات کل	725/354	383	—	—	—

نتیجه گیری

از دیرباز نقش و اهمیت نیروی انتظامی در ایجاد امنیت و احساس امنیت مورد توجه بسیاری از مردم بوده و شهروندان عامل تأمین‌کننده‌ی احساس امنیت خود را از اهم وظایف دولت و بازوی اجرایی آن یعنی نیروی انتظامی می‌دانند هر دولتی برای بقای خود می‌بایست دستگاه‌های اجرایی و نظارتی خود به ویژه نیروی انتظامی را که این امر خطیر را بر عهده دارد، جهت رفع این نیاز آماده سازد.

این پژوهش با شناخت چند عامل از متغیرهای مهم و کلیدی از بین دیدگاه صاحب‌نظران به تبیین علت‌های مهم و مؤثر بر نقش نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت شهروندان پرداخت. نتایج زیر از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش می‌باشد:

برای بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت با توجه به پیشینه تحقیق (ربانی وهمتی، بیات، ربانی و افشارکهن) و تبیین‌های نظری از تعامل‌گرایی، دیدگاه تفسیری و نظرات روه و الیور و رناآور، پیش‌بینی رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر وجود داشت، که نتایج این تحقیق نیز این فرضیه را به اثبات رساند. در رابطه بین متغیر عملکرد رسانه‌ها و متغیر نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت با توجه به نظریات (بندورا و لومان) و پیشینه تحقیق (فرجیها)، پیش‌بینی آن بود که رسانه‌های داخلی و خارجی هر کدام نقش متفاوتی در این خصوص ایفا نمایند. نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که رسانه‌های داخلی (تلویزیون، رادیو، مجلات، روزنامه و سایت‌های داخلی) عملکرد نیروی انتظامی را در برخورد با جرائم و ... در ایجاد احساس امنیت مثبت نشان داده‌اند. اما عملکرد رسانه‌های خارجی (رادیوهای بیگانه، ماهواره و سایت‌های اینترنتی) در این خصوص منفی بوده و تلاش این رسانه‌ها با نشر اکاذیب در اخبار و ... ترویج نگرانی، دلهره، اضطراب و ایجاد ناامنی در داخل مرزهای ایران و کم‌اهمیت‌نشان دادن نهاد انتظامی کشور و کارگزاران در خصوص برخورد با جرائم و ... بوده است.

تبیین‌های نظری رناآور، کین، ویلسون و کلینگ و پیشنهاد تحقیق (ربانی و هم‌تبی، بیات و ویل و مک‌گرا) در خصوص متفاوت بودن نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت در بین مناطق مختلف شهر، ما را به این سمت رهنمون می‌کند که نتایج این پژوهش نیز همسو با این نظرات باشد، اما بر عدم تفاوت نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت بر حسب مناطق مختلف شهر منتج گردید. به این معنا که از دید شهروندان اصفهانی مناطق مختلف شهر به میزان یکسانی نقش و حضور نیروی انتظامی را در ایجاد احساس امنیت ارزیابی کرده‌اند و حتی با این که این انتظار می‌رفت که در محله‌های فقیرنشین این نقش و حضور کم‌رنگ‌تر ارزیابی گردد، اما شاهد یکسان‌نگری همه شهروندان در مناطق مختلف به نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت بودیم.

با توجه به پیشنهاد تحقیق (نوروزی و آدومیرکو) و نظرات لامبروپولو، میسلی و دیگران، آدومیرکو، ساکو و فرگوسن و میندل، پیش‌بینی می‌شد که رابطه منفی (معکوس) بین قربانی شدن از جرم (واقعی و غیرواقعی) و نقش و حضور نیروی انتظامی در ایجاد احساس امنیت وجود داشته باشد، که در نتایج به دست آمده نیز رابطه‌ای معنادار و غیرمستقیم این دو متغیر تایید شد. به عبارتی چه افرادی که قبلاً قربانی جرایمی چون (سرقت، صدمه جانی و...) شده‌اند، و چه کسانی که از جرم تجربه غیر مستقیم دارند (یعنی قربانی جرم نشده‌اند بلکه از زبان دوستان و اطرافیان خود آن را شنیده‌اند) این تجربه را منوط به کم‌کاری و عدم کارآمدی نیروی انتظامی در کاهش جرائم و عدم احساس امنیت ارزیابی نموده‌اند.

در تحلیل رگرسیون چند متغیری ضریب همبستگی چندگانه با ضریب تعیین $R^2=0/116$ بیانگر آن است که در حدود 0/11 از واریانس متغیر نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت توسط متغیرهای مستقل که به ترتیب: عملکرد رسانه‌های داخلی، سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه‌های خارجی، قربانی شدن

مستقیم، قربانی شدن غیرمستقیم، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، سن و تحصیلات در مدل تجربی تحقیق تبیین می گردد. که در مجموع با توجه به ضریب معناداری به دست آمده، با $p \leq 0.05$ می توان نتایج تحقیق را به کل جامعه‌ی آماری با اطمینان قابل قبولی تعمیم داد.

پیشنهادها و راهکارها

نتایج تحقیق حاضر مبین این واقعیت است که عوامل اجتماعی بی‌شماری در تعیین نقش و حضور نیروی انتظامی در احساس امنیت افراد یک اجتماع دخیل هستند؛ با این همه بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش به این پیشنهادها اشاره می‌شود:

1. در خصوص متغیر سرمایه اجتماعی؛ تعامل پلیس با جامعه و طرح پلیس جامعه مدار در سطح جامعه ارتقای احساس امنیت شهروندان است. به همین علت پلیس باید در راستای وظایف خود به تعامل دوستانه خود با مردم توجه بیشتری کند و با ارائه سمینارهایی در مورد مقاوم سازی و ایمن سازی منازل، محله و شهر، همگان را از حمایت خود برخوردار سازد. سمینارها همچنین می‌تواند افسران پلیس و شهروندان را در موقعیتی قرار دهد تا با یکدیگر تعامل دوستانه برقرار نمایند و به پرورش احساس اعتماد بیشتر بین دو گروه کمک کند. اجرای سمینارها حتی سالی دو بار برنامه‌ای کم هزینه خواهد بود و به چیزی بیشتر از چند ساعت از وقت تعدادی افسر پلیس نیاز ندارد و اثر آن می‌تواند به عنوان وسیله کاهش احساس ناامنی و جنایت و ارتقای تصور از پلیس تلقی شود.

2. از آنجایی که بیشتر بنگاه‌های خبررسانی در انحصار دولت می‌باشد، وظیفه این رسانه‌ها نه تنها در امر خبررسانی موثق، شفاف و معتبر است، بلکه باید دارای پوشش خبری کامل و جامعی باشد که مردم برای به دست آوردن دیگر جزئیات اخبار مربوط، به حوزه‌های خبررسانی خارج از کشور اتکا و

اطمینان پیدا نکنند، و با این روش پایه‌های اعتماد بین نظام و کارگزاران آن و مردم مستحکم‌تر گردد.

3. مناطق مختلف شهرها، با توجه به نوع فرهنگ و آداب و رسوم که در آن حاکم است، باعث تفاوت برنامه‌های دولت و نهادهای اجرایی آن است. نیروی انتظامی که نیز از این امر مستثنی نبوده می‌بایست در مناطق مختلف شهر نیز این رویه را دنبال نماید و هر منطقه را با توجه به نقاط ضعف و قوت آن در پیش‌بینی جرائم مد نظر قرار دهد، تا بتواند وظایف خود را به نحو احسن به اجرا برساند.

4. عملکرد نیروی انتظامی در خصوص برخورد با جرائم و به تبع آن نقش رسانه‌ها در زمینه انتشار این نوع اخبار در زمینه قربانی شدن واقعی و غیرواقعی از جرم مهم است، انتظار می‌رود که نیروی انتظامی با داشتن جدیت، قاطعیت و عملکرد صحیح و به موقع در برخورد با خلافکاران (اعم از خرد و کلان) و رسانه‌ها با انجام خبررسانی دقیق، به موقع و خالی از اغراق، زمینه‌های احساس ناامنی را چه به صورت عینی و چه به صورت ذهنی کاهش دهند و احساس امنیت را در جامعه به نحو احسن برقرار سازند.

منابع:

- افتخاری، اصغر. (1384) "معمای امنیت عمومی، درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه"، مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- بیات، بهرام. (1387). "تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی"، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

- ربانی، رسول و رضا همتی (1388). "بررسی احساس ناامنی در میان شهروندان زنجان"، مجله علمی- پژوهشی انجمن جامعه شناسی، دوره نهم.
- ربانی، رسول و جواد افشارکهن (1383). "شهرنشینی و امنیت؛ تحقیق در عوامل و شرایط مؤثر بر امنیت شهرها، مورد؛ شهر جدید بهارستان"، مجله علمی- پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد 16، شماره 1.
- رضاییان، علی (1370). اصول مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- سرلک زایی، شریف (1385). "بحران امنیت اجتماعی در ایران"، ماهنامه برداشت اول، سال 3، شماره 22.
- سرمد، زهره و بازرگان و حجازی (1380). "روش های تحقیق در علوم رفتاری" تهران: انتشارات آگاه.
- عبدی، توحید (1384). "مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش نیروی انتظامی"، تهران: معاونت نیروی انتظامی.
- فرجیها، محمد (1385). "بازتاب رسانه ای جرم" فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال 6، شماره 22.
- فیست، جس، جی و گریگوری فیست (1386). نظریه های شخصیت ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- قالیباف، محمدباقر (1384). "تحلیل سیستمی امنیت اجتماعی و راهبردهای مدیریت آن"، مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، شماره 1، انتشارات گلپونه.
- کتابی، محمود و محمدگنجی، یعقوب احمدی و رضا معصومی (1383). "دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی، فرهنگی"، مجله علمی- پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد 17، شماره 2.

- کورتز، نورمن (1384). آمار در علوم اجتماعی، ترجمه حبیب ا... تیموری، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- کوئن، بروس (1372). مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- کیانی، رسول (1387). "شایعه و امنیت عمومی"، فصلنامه دانش انتظامی، سال هشتم، شماره سوم.
- ماندل، رابرت (1379). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: انتشارت پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محبوبی منش، حسین (1385). "تاملی کوتاه درباره آسیب های اجتماعی به عنوان مسئله امنیت عمومی"، فصلنامه دانش انتظامی، سال هشتم، شماره سوم.
- محکی، علی اصغر (1384). "مبانی تئوریک رابطه پلیس و مطبوعات در ایران"، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، 213-274.
- مرکز آمار ایران (1378). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن - 1385، تهران: دفتر اطلاع رسانی و پایگاه اطلاعات آماری.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (1382). بررسی میزان احساس امنیت شهروندان، به سفارش معاونت اجتماعی ناجا.
- میرعرب، مهرداد (1379). "نیم نگاهی به مفهوم امنیت"، مجله علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم.
- میلر، دلبرت. چارلز (1380). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.

- نصیب، سیدامیدعلی (1384). "بررسی میزان و عوامل مؤثر بر رضایت از عملکرد نیروی انتظامی"، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت نیروی انتظامی، انتشارات گلپونه.
- نوروزی، نادر (1384). "سیاست جنائی در جرائم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان" (با تکیه بر نظریه‌ی پنجره‌های شکسته"، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- هاشمیانفر، جمشید (1386). "عوامل مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی در شهر اصفهان"، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- همتی، رضا (1388). "پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی"، فصلنامه دانش انتظامی - سال نهم - شماره سوم.

-Adu-Mireku,S.(2002).*Fear of Crime Among Residents of Three Communities in Accra,Ghana*,International Journal of Comparative Sociology.IJCS43(2):153-168.

-Benedict,W.Reed,Ben Brown and Douglas J.Bower.(2000).*Perceptions of the Police and fear of Ccrime in a Rural Setting: Utility of a Geographically Focused Survey for Police Services, Planning and Assessment*,Criminal Justice Policy Review,Volume11,Number4,December.2000,275-298.

-Ferguson,K.M&Mindel.C.H.(2007).*Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods:A Test of Social Capital Theory*,*Crime & Delinquency*,Volume53, Number 2, Aapril 2007, 322-349.

-Lambropoulo,E.(2007).*Citizen's Safety,Business Trust and Greek Police*, *International Review of Administrative Science*,Sage Publications,Vol70 (1):89-110.

- Miceli.Renato,Roccatto.M,Rosato.R.(2004).*Fear of Crime in Italy spread&Determinations,Environment and Behavior*,Vol.36No.6,November 2004 776-789.
- Renauer,B.C.(2007).*Reducing Fear of Crime: Citizen,Police,or Government Responsibility?*,The Journal of Police Quarterly,Volume 10;Number1,March2007.41-62,© 2007; Sage Publications, <http://pqx.sagepub.com>.
- Ross,C.E.,&Jang,S.J.(2000). *Neighborhood disorder, fear, and mistrust: The buffering role of social ties with neighbors*.American Journal of CommunityPsychology,28(4), 401-420
- Roh, S. H., & Oliver, W. M. (2005). Effects of community policing upon fear of crime: Understanding the causal linkage. *Policing*. Vol. 28, pg. 670. Issue. 4
- Wilson,JQ.,&Kelling.G.L,*Broken Window(Police and Neighborhood Safety)* The Atlantic Monthly article1982.
- www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85.natayej.